

پیوند تعلقات انسان و امام زمان؛ چگونه تعلقات مانع یا زمینه ساز یاری امام می شوند؟

چگونه تعلقات انسان و امام زمان در مسیر انتظار به هم گره می‌خورند؟

انسان موجودی سرشار از میل و کشش است و هیچ‌کس را نمی‌توان یافت که به‌طور کامل از تعلقات رها باشد. هر انسانی دل به چیزی بسته است؛ این دل‌بستگی‌ها گاهی آشکار و مادی هستند، مانند وابستگی به مال، قدرت، موقعیت اجتماعی یا شهرت و گاهی در لایه‌های پنهان ذهن و قلب شکل می‌گیرند، مانند باورها و دانسته‌هایی که فرد حاضر به بازنگری در آن‌ها نیست؛ به‌رحال تعلقات همیشه نقشی تعیین‌کننده در مسیر زندگی ما دارند؛ زیرا هر آنچه دل انسان را به خود گره بزند و او را از حرکت آزادانه در مسیر حقیقت بازدارد، در دایره تعلقات قرار می‌گیرد.

در این درس به بررسی نسبت تعلقات انسان و امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) می‌پردازیم و تحلیل می‌کنیم چگونه وابستگی‌ها می‌توانند، مانع یا زمینه‌ساز یاری امام باشند؟ تعلقات، پاسخی طبیعی به نیازهای فطری انسان مانند امنیت، رفاه و خانواده هستند و اگر به‌طور متعادل مدیریت شوند، بخش مهمی از رشد معنوی و اجتماعی انسان را تشکیل می‌دهند. اما زمانی که بر حقیقت و عدالت مقدم شوند، مانعی برای بلوغ معنوی و توانایی همراهی با امام می‌شوند.

قرآن کریم هشدار داده است که اگر محبت به خانواده، اموال و تجارت، بر محبت خداوند، اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و جهاد در راه او مقدم شود، انسان از مسیر حق خارج خواهد شد و توان یاری امام را از دست می‌دهد.^۱ آموزه‌های دینی نیز نشان می‌دهند که امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) نماد زنده عدالت و حقیقت هستند و تنها کسی می‌تواند در مسیر ایشان قرار بگیرد که دلش از قید تعلقات آزاد باشد.

از این رو بخشی از راز غیبت امام را باید در همین غلبه تعلقات بر قلب‌ها جستجو کرد؛ وابستگی‌هایی که انسان را از آمادگی برای قیام و یاری امام بازمی‌دارند؛ بنابراین یکی از گام‌های اساسی برای قرار گرفتن در

^۱ قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تُرَضُّونَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ؛ سوره توبه، آیه ۲۴

مسیر یاری امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) این است که نسبت خود را با تعلقات روشن کنیم؛ آیا توان عبور از این قیدها را داریم؟ یا در لحظات تاریخی، در برابر بزرگترین دعوت به آزادی و عدالت عقب‌نشینی خواهیم کرد؟ این پرسش‌ها هر انسانی را، فارغ از مرزهای دینی و مذهبی، به تأمل فرامی‌خواند؛ همان‌گونه که امام حسین (علیه‌السلام) در روز عاشورا فرمودند: «اگر دین ندارید و از روز قیامت نمی‌ترسید، پس لااقل در زندگی خود آزاده باشید.»^۲

تعلقات انسان؛ مانع یا سرمایه در مسیر یاری امام زمان؟

انسان در زندگی همواره با مجموعه‌ای از نیازها و دل‌بستگی‌های طبیعی مانند امنیت، رفاه، خانواده، احترام اجتماعی و حتی علم و موقعیت مواجه است. این گرایش‌ها ذاتاً مذموم نیستند و می‌توانند زمینه‌ساز رشد باشند. مشکل زمانی آغاز می‌شود که این تعلقات به بندهایی تبدیل می‌شوند که در لحظه‌های سرنوشت‌ساز، انتخاب درست را سخت یا غیرممکن می‌کنند.

تا وقتی زندگی در آرامش و رفاه می‌گذرد، کمتر کسی متوجه اسارت در دام تعلقات می‌شود؛ مانند کسی که بند کفشش بی‌خبر به پایه صندلی گره خورده و او هنگام برخاستن متوجه گرفتار بودنش می‌شود. تعلقات نیز در بزنگاه‌های بزرگ چهره واقعی خود را آشکار می‌کنند. تعیین نسبت تعلقات انسان و امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) روشن می‌کند که وابستگی‌های فرد ابزار یاری امام هستند یا به مانعی جدی در مسیر همراهی با حقیقت بدل می‌شوند.

دل‌بستگی‌های دنیوی غالباً پیامدهایی همچون حرص، ترس، غم و تلف شدن سرمایه عمر را در پی دارند. تاریخ عاشورا بهترین آئینه برای مشاهده اثر تعلقات بر سرنوشت انسان است. بسیاری از کسانی که امام حسین (علیه‌السلام) را دیدند، به دلیل وابستگی به مال، جان، خانواده یا موقعیت اجتماعی، از یاری آن حضرت بازماندند.

برای نمونه، عبیدالله بن حر جعفی در برابر دعوت امام چنین گفت: «ای پسر پیامبر خدا، اگر یاریت کنم،

^۲ یا شیعَةَ آلِ أبی سَفِیَانَ إِنْ لَمْ یَكُنْ لَكُمْ دِینٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَةَ فَكُونُوا أحرَاراً فی دُنْیَاكُمْ...؛ اللهوف، ص ۱۲۰

نخستین کسی خواهم بود که جانم را فدا می‌کند؛ اما اسب خود را تقدیم می‌کنم که همیشه مرا نجات داده است.»^۳ این نمونه تاریخی، تصویری روشن از رابطه تعلقات انسان و امام زمان را نشان می‌دهد؛ وابستگی به جان، عبیدالله را از قرار گرفتن در صف یاران امام زمانش بازداشت.

شبت بن ربیع که زمانی در کنار امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بود، به‌خاطر دل‌بستگی به موقعیت اجتماعی و بازی‌های سیاسی، بارها تغییر موضع داد و سرانجام در برابر امام ایستاد. ضحاک بن عبدالله مشرقی نیز تنها با شرط حفظ جان خود جنگید و در نهایت به بهانه خانواده و بدهی‌ها از میدان یاری امام گریخت.

این نمونه‌ها نشان می‌دهند که دیدن امام کافی نیست. تعلقات می‌توانند چشم انسان را بر حقیقت ببندند و قدرت انتخاب درست را از او بگیرند. پیام روشن عاشورا این است که همه افراد به مقصد نمی‌رسند. نسبت تعلقات انسان و امام زمان (علیه‌السلام)، نسبتی تعیین‌کننده است؛ یا دل‌بستگی‌ها سد راه می‌شوند، یا وارستگی از آن‌ها دروازه همراهی با امام را می‌گشاید. تنها کسانی در این نبرد موفق می‌شوند که دل خود را از قید و وابستگی‌ها آزاد کرده باشند و تعلقاتشان در خدمت حقیقت و یاری امام قرار گیرد.

بازخوانی نسبت تعلقات انسان و امام زمان (عج) در آزمون‌های تاریخی و معاصر

تجربه‌های عاشورا محدود به گذشته و کوفه و کربلا نیستند. اگر کوفیان به‌خاطر ترس از فقر و دل‌بستگی به خانواده، مال یا مقام از یاری امام حسین (علیه‌السلام) بازماندند، ما نیز امروز در معرض همان آزمون‌ها قرار داریم. وابستگی به ثروت، رفاه، شهرت یا جمود فکری می‌تواند ما را از امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) جدا کند. بنابراین در هر دوره باید به رابطه میان تعلقات انسان و امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) توجه ویژه داشت؛ زیرا همان دل‌بستگی‌هایی که در کربلا مانع یاری امام شدند، امروز نیز می‌توانند سد راه انتظار حقیقی باشند. سبک زندگی مصرف‌گرایانه، دل‌بستگی افراطی به رفاه و مقام یا اصرار لجوجانه بر باورهای محدود، بندهایی

^۳ امام سجاد (علیه‌السلام): «ثُمَّ سَارَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى نَزَلَ الْفُطُطَايِيَّةَ فَنَظَرَ إِلَى فُسْطَاطٍ مَضْرُوبٍ فَقَالَ لِمَنْ هَذَا الْفُسْطَاطُ فَقِيلَ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُرِّ الْحَنْفِيِّ [الْجُفَيْفِيِّ] فَأُرْسِلَ إِلَيْهِ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ أَيُّهَا الرَّجُلُ إِنَّكَ مُذْنِبٌ خَاطِبٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَجِدُكَ بِمَا أَنْتَ صَاحِبٌ إِنْ لَمْ تَنْتَ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي سَاعَتِكَ هَذِهِ فَتَنْصُرْنِي وَتَكُونَ جَدِّي شَفِيعَكِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَاللَّهِ لَوْ تَصَرَّفْتُكَ لَكُنْتُ أَوَّلَ مَقْتُولٍ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ لَكِنَّ هَذَا فَرَسِي خُذْهُ إِلَيْكَ فَوَ اللَّهُ مَا رَكِبْتُهُ قَطُّ وَ أَنَا أَرُومٌ سَبِينًا إِلَّا بَلَّغْتُهُ وَ لَا أَرَادَنِي أَحَدٌ إِلَّا نَجَّوْتُ عَلَيْهِ قَدَوْتُكَ فَخُذْهُ فَأَعْرِضْ عَنِّي السَّلَامُ يَوْجِهَهُ ثُمَّ قَالَ لَا حَاجَةَ لَنَا فِيهِكَ وَ لَا فِي فَرَسِكَ - «و ما گشت متجدد المضلین عضدا» و لکن فؤ فلا لنا و لا علینا فإینه من سمیع و اعینتنا أهل النبیت ثم لم یجیننا کبه الله علی وجهه فی نار جهنم» ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی للصدوق، ص ۱۵۰

هستند که انسان را در بزنگاه‌های اجتماعی و اخلاقی زمین‌گیر می‌کنند. فهم درست رابطه تعلقات انسان و امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) مستلزم آن است که ببینیم چگونه وابستگی‌های دنیوی توان انتخاب درست را از ما می‌گیرند.

یکی از ضرورت‌های اساسی در مسیر انتظار، بازنگری در تعلقات و **تغییر سبک زندگی** است. مال، قدرت، علم و خانواده اگر در خدمت حق و یاری امام باشند، سرمایه هستند؛ اما اگر بر حقیقت چیره شوند، به بزرگترین مانع حرکت تبدیل می‌شوند. به تعبیر امام خمینی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه)، وارستگی از تعلقات شرط رسیدن به مقام انسانیت است.^۴ انتظار واقعی امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) نیز چیزی جز تمرین همین وارستگی و آمادگی برای ترجیح حقیقت بر منفعت نیست.

تعلقات انسان و امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) دو جهت‌گیری متفاوت دارند؛ یکی حکم ریشه‌های زمینی دارد که انسان را در بند می‌کشد و دیگری افقی آسمانی است که فرد را به حقیقت دعوت می‌کند. عاشورا نشان داد که **آزادی از قید تعلقات**، شرط رسیدن به حقیقت و همراهی با امام است. انسان معاصر نیز برای پیوستن به قافله یاران حقیقی امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) چاره‌ای جز وارستگی از تعلقات اسارت‌آور ندارد.

شما چه نسبتی میان تعلقات انسان و امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) می‌بینید؟ کدام وابستگی‌های پنهان می‌توانند در لحظات حساس مانع انتخاب درست شوند؟ نظرات خود را با ما در میان بگذارید.

^۴ صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۶۷